

از چهره‌های محال بختیار به پشت کامیاران

گزیده‌ای از تاریخ طایفه گشتی کامیاران
از نگاه وقایع نگار و والیان اردلان
و تاریخ شفاهی این طایفه

تألیف:

رستم علیخانی



انتشارات علم‌کالج
۱۳۹۳

سرشناسه	علیخانی، رستم، ۱۳۵۶
عنوان و نام پدیدآور	از چهار محال بختیاری تا دشت کامیاران : گزیده‌های از تاریخ طایفه گشکی کامیاران از نگاه وقایع نگاران دستگاه والیان اردلان و تاریخ شفاهی این طایفه/ تالیف رستم علیخانی.
مشخصات نشر	سنندج: انتشارات علمی کالج، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	۲۳۲ ص.؛ مصور.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۱۶۸-۲۳-۳
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۰۲
عنوان دیگر	گزیده‌های از تاریخ طایفه گشکی کامیاران از نگاه وقایع نگاران دستگاه والیان اردلان و تاریخ شفاهی این طایفه.
موضوع	گشکی
موضوع	ایران -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۱۳ ق. -- ۱۴
موضوع	ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق.
موضوع	ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷.
موضوع	کامیاران
رده بندی کنگره	DSR ۷۲/ع ۸ ۱۳۹۲
رده بندی دیویی	۹۵۵/۹۷۶
شماره ثبت کتابخانه ملی	۳۳۷۷۸۲۵



نویسنده: رستم علیخانی

ناشر: انتشارات علمی کالج / مدیرمسئول: کیومرث کمالی

صفحه آرائی: اسرا مردوخ / گرافیک و طراحی جلد: ...

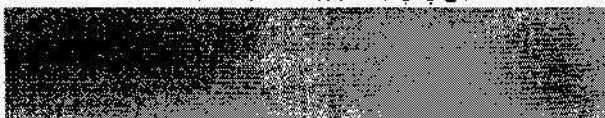
نوبت چاپ: چاپ اول - ۱۳۹۳ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

مرکز پخش: سنندج / سه راه ادب / مجتمع تهای کردستان / طبقه همکف / واحد ۱۶۱ و ۱۶۲

تلفن: ۰۸۷۱-۳۲۶۹۰۸۶ - ۰۸۷۱-۳۳۷۷۸۲۵ فکس: ۰۸۷۱-۳۳۷۷۸۲۵

مقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.



فهرست مطالب

۱.....مقدمه

بخش اول

۷.....خادای ایل جاف جوانرود

۸.....زنگاه

۹.....تیره

۱۵.....وجه تسه

۱۶.....جمعیت

بخش دوم

اوضاع سیاسی و وقایع داخلی در دوره (۱۲۰۹-۱۳۴۴ قمری)

فصل اول

۱۹.....سابقه‌ی تاریخی

۲۳.....الف- قیام اول

۲۳.....ب- قیام دوم (مخالفت باخلع شاه طهماسب)

۲۵.....پ- قیام سوم

۲۶.....ت- قیام چهارم

۲۶.....ث- قیام پنجم (سلطنت علیمرادخان چهارنگ)

۲۹.....پیوستن به ایل جاف مرادی

۳۱.....مهاجرت به دشت کامیاران

۳۷.....متحدشدن باطایفه‌ی شیخ اسماعیلی

۳۸.....پیوستن تیره‌های لک به گشکی

فصل دوم

- ۴۱ دوره‌ی ریاست شامارخان بزرگ
- ۴۲ جنگ اول مریوان (۱۲۶۸ ق.)
- ۴۴ مهاجرت عده‌ای از گشکی‌ها به مازندران
- ۴۵ جنگ الک (۱۲۶۸ ه. ق.)
- ۴۷ جنگ دوم مریوان (۱۲۷۸ ه. ق.)

فصل سوم

- ۵۱ دوره‌ی ریاست فتح‌الله بیگ دوم
- ۵۱ جنگ مریوان (۱۲۸۶ ه. ق.)
- ۵۵ مأموریت سرود
- ۵۷ استقبال از شاهزاده سید ناصرالدین میرزا حسام‌السلطنه

فصل چهارم

- ۵۹ دوره‌ی ریاست فرج‌الله خان (رمضان ۱۳۰۷ - محرم ۱۳۳۹ قمری)
- ۵۹ اقدامات فرج‌الله خان پس از به قدرت رسیدن
- ۶۳ ماجرای شمسه
- ۶۴ مناسبات طایفه‌ی گشکی با ایلات همجوار
- ۶۸ واقعه کشته شدن نادریگ (ذی‌الحجه ۱۳۰۹ قمری)
- ۶۹ جنگ پلکان شکن
- ۷۲ ماجرای میرزا ویس‌مراد گُمته‌ای
- ۷۵ انقلاب مشروطه
- ۷۷ محمدعلی شاه قاجار در اندیشه‌ی کودتا
- ۸۰ پیوستن به کودتای محمدعلی شاه قاجار
- ۸۱ جنگ باغشاه

- ۸۳..... مأموریت صحنه
- ۸۴..... جنگ کرمانشاه
- ۸۶..... واقعه‌ی کشته شدن یعقوب بیگ در قریه‌ی ورمهنگ
- ۹۱..... جنگ رزاب
- ۹۲..... واقعه مرگ حاجی آقامحمودخان کمانگر (نظام‌الممالک)
- ۹۳..... ناکامی سردار رشید در دستگیری فرج‌الله‌خان
- ۹۴..... مأموریت امین بیگ دورویی
- ۹۶..... غارت قزوین و نایب‌الروی مهرعلی‌سلطان احمدوند (همه‌وند)
- ۹۸..... جنگ قزوین
- ۱۰۰..... جنگ قوچه‌ی پارس
- ۱۰۱..... جنگ جهانی اول
- ۱۰۳..... پیوستن به اتحادیه‌ی مارب
- ۱۰۶..... جنگ گلوآخی (گلپاخی) و کشمکش سیدبیک گشکی
- ۱۰۹..... جنگ چرمی سوار

فصل پنجم:

- ۱۱۱..... دوره‌ی ریاست محمد مرادخان
- ۱۱۱..... جنگ سریاس
- ۱۱۲..... جنگ روانسر

بخش سوم

اوضاع سیاسی و وقایع تاریخی در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ خورشیدی)

فصل اول:

- ۱۲۱..... وضعیت سیاسی گشکی‌ها
- ۱۲۲..... مهاجرت داراب‌خان به زهاب

- پیوستن داراب خان به شورش صوفی بیگ ولدییگی..... ۱۲۳
- اسکان آخرین تیره های گشکی..... ۱۳۰
- یوسف بیگ اولین بخشدار کامیاران..... ۱۳۱
- شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی..... ۱۳۲
- داراب خان دومین بخشدار کامیاران..... ۱۳۵
- ماجرای کشته شدن سرجوخه میرزا..... ۱۳۵

مل دوم

- دولت بیگ ریاست یوسف بیگ..... ۱۳۹
- محبوس شدن حاجی خان (حاکم آسنگران) درسندج..... ۱۴۰
- سارق بدافعال..... ۱۴۱
- حمایت از عبدالحمید غزنوی و فعال حزب سعادت..... ۱۴۲
- ماجرای اسلحه ی «بربر ناصر خان» از دلی (باقرخان)..... ۱۴۶
- اصلاحات ارضی و الغای نظام آب-رعیتی..... ۱۴۷
- یک زن موفق..... ۱۵۶

بخش چهارم

ضمانت (گویش، پوشش، آرایش و زیورآلات، اسناد، آلبوم و ...)

فصل اول

- گویش..... ۱۶۱
- پوشش..... ۱۶۵
- الف- پوشش مردان گشکی..... ۱۶۵
- ب- پوشش زنان گشکی..... ۱۷۱
- آرایش سنتی زنان طایفه..... ۱۷۳

زبورآلات زنان طایفه ۱۷۴

تصاویر زبورآلات والبسه رسمی زنان طایفه گشکی ۱۷۷

فصل دوم

اسناد

سند شماره ۱ ۱۸۵

سند شماره ۲ ۱۸۷

سند شماره ۳ ۱۸۷

سند شماره ۴ ۱۹۳

سند شماره ۵ ۱۹۳

سند شماره ۶ ۲۰۰

سند شماره ۷ ۲۰۴

آلبوم ۲۰۷

شجره ۲۱۶

نقشه قلمرو حاکمیت ۲۱۷

عوارض ومالیاتها ۲۲۱

منابع وماخذ ۲۲۰

آنچه خواهد آمد، گزیده‌ای از تاریخ طایفه‌ی گشکی کامیاران، بر اساس منابع مکتوب و روایات به جای مانده، از این طایفه، از عصر قاجار تا اواخر عصر پهلوی است. از آنجا که در این کتاب، صرفاً وقایع طایفه‌ی مذکور آمده است، لذا کتاب حاضر، جنبه تحلیلی نداشته بلکه رویه‌ی وقایع نگاری دارد. گشکی یا گشکی، نام پیران از رُ هفت لنگ چهارمحال بختیاری است، که در تاریخی پر ابهام، از مکانی مشخص به سرزمین معلوم که همان کردستان باشد، مهاجرت کرده‌اند. در اینجا سعی شده است با دلیل مجهول بودن زمان و علت مهاجرت گشکی‌ها از بختیاری، با حدس و گمان به این بخش از تاریخ گشکی‌ها پاسخی در خور توجه داد. در هر حال گشکی‌ها از بدو ورود به کردستان ابتدا به جاف مرادی پیوستند. بعدها به علت تسویه‌های خونی که از سوی سلاطین جاف مرادی در اواخر نیمه‌ی اول قرن نوزدهم در خاک عثمانی مصادف با والیگری حسن خان ناکام (۱۲۴۰-۱۲۵۰ قمری) و پسرش رضاعلی خان اردلان (۱۲۵۰-۱۲۶۰ قمری) مقرر با اخراج پادشاهی فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق) و اوایل محمد شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ ق) صورت گرفت، اخراج، به ایل جاف جوانرود متمایل شدند و سرسپردگی والیان اردلان گشتند.

چون دشت بیلوار (کامیاران کنونی) در قلمک والیان بیلوار بود، را به عنوان بیلاق هسته اصلی طایفه معین شد. به مرور درایام شامارخان بزرگ در بیلاقشان زمین‌هایی به آنان واگذار گردید. نخستین آبادی که بنا کردند قریه «ورمهن» بود که به نوعی به مرکز حکمرانی طایفه تبدیل گردید. بخشهای از این طایفه چون بیلاقشان و روانسر بود به صورت پراکنده سکونت اختیار کردند.

به دلیل شجاعت و دلاوری کم نظیری که در میان مردان طایفه‌ی گشکی بود، در تشکیلات سیاسی- نظامی حکومت کردستان ارتقا یافتند؛ و با انجام مأموریت‌هایی که از سوی والیان اردلان و حکام کردستان به آنان واگذار می‌شد، شجاعت‌شان بلند آوازه شد، نامشان در جریده‌ی وقایع نگاران حکومت کردستان، به ثبت رسید. با به قدرت

رسیدن فرج‌الله خان (۱۳۰۶-۱۳۳۹ قمری) مرکز حکومت از قریه‌ی ورمهنگ به توبره‌ریز انتقال یافت. وی برج و بارویی در این قریه برپا نمود و قدرتی به هم زد؛ در نتیجه آن حسادت و عناد دیگر طوایف هم‌جوار را برانگیخت. برای حذفش از صحنه، نقشه‌ها کشیدند و دام‌ها تیدند تا شاید وی را خار و زبون سازند و طایفه‌ی گشکی را بی‌عفت نمایند، اما هیچگاه به نتیجه نرسیدند.

در اواخر عصر قاجار به علت ضعف حکومت احمدشاه (۱۲۸۸-۱۳۰۴ خ) نواحی غرب کشور را با ایلامانی‌هایی شد، که نتیجه‌ی هوسرانی‌های یکی از شاهزادگان قاجار به نام آصف‌میرزا سالار الدوله بود، که بر ضد مشروطه قیام کرد. به علت ضعف حکومت قوی‌اشتر ایلات غرب کشور، از آذربایجان گرفته تا پشتکوه، به وی ملحق شدند. گشکی برای امان ماندن از تبعات مخالفت با سالار الدوله، به وی پیوستند. با بروز جنگ روس و ایران (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م) خاک گشکی به تصرف قشون روس درآمد، که گشکی‌ها در کنار دیپوشان به مبارزه با قوای اشغالگر روس برخاستند و با جان‌فشانی‌ها و دل‌آوری‌های خویش با روس‌ها آفریدند و توانستند مردانه متجاوزین را از خاک خویش بیرون کنند. اوضاع نابسامان کشور و ناتوانی احمدشاه در اداره‌ی آن، به مدعیانی چون عباس خان سردار -بیدبال- قدرت نمایی داد. وی مدت‌ها جنوب کردستان را جولانگاه امیال خویش ساخت. گشکی به چون قدرت مرکزی را در موقعیت ضعیفی یافتند، هرچند سیاست‌های مرکز گریزی سردار را قبول نداشتند اما چون در خویش توان مبارزه و لشکرکشی علیه سردار قوی بودند محتاطانه و با سیاست سردار رشید را همراهی نمودند. به محض قدرت گرفتن حکومت مرکزی بی‌درنگ در کنار قوای دولتی، به سردار حمله نمودند. گشکی‌ها همواره از آن‌هایی که در دشت کامیاران ساکن شدند- مگر یک دوره‌ی کوتاه در دوره‌ی رضا شاه پس از آن که یکی از خوانین به نام داراب خان بر اثر ظلم و ستم نظامیان چون خلع سلاح شدن رعایای تابعش نشد، مجبور به مهاجرت به عراق گردید- از سیاست مرکز گریزی بیزار بودند، آنان جانب‌داری از مرکز و مطیع قوانین ایالتی بودن را پیشه خود ساخته بودند. تیره‌های گشکی (کلکه‌وندی، قیتولوندی، حسنوندی، میروندی و...) همچنان تا

دوره‌ی رضا شاه خیمه نشین بودند؛ در پی اجرای طرح تخت قاپو کردن عشایر، آنان به زور و اجبار یکجانشین شدند. چنانکه میروندی‌ها قریه‌ی چیابراله و دیگر وندهای این طایفه قریه‌ی بلان را شکل دادند. این طایفه همچون دیگر طوایف تا زمان اصلاحات ارضی، همچنان بر نظام ایلی خویش پایبند بودند. پس از اجرای قانون اصلاحات ارضی و هم خوردن نظام سیاسی-سنتی ایل، گشکی‌ها به زندگی شهرنشینی روی آورده، روستاهای کامیاران، سنندج، کرمانشاه و بسیاری شهرهای بزرگ کشور ساکن شدند.

آخرین روستای طایفه‌ی گشکی مرحوم یوسف بیگ فاتحی بودند که با وفات ایشان در سال ۱۳۴۷ خورشیدی، آخرین نماد نظام عشایری این طایفه به تاریخ‌شان پیوست. بخش آخر این مجموعه، به صورت ضمیمه، بررسی مختصری در خصوص، گویش، پوشش و زیورآلات به همراه اسناد شماره‌های ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ برای نخستین بار است در تاریخ این طایفه انتشار می‌یابند. و در آخر از آقایان حاج منصور فاتحی فرزند حسین خان ساکن توبی و ری و به‌خیرافاتحی فرزند آقای اشرف خان فاتحی (آسنگران) که در سایه‌ی حمایت بی‌انگیزه‌ی آنها این اثر به طبع آراسته گردید. همچنین از تلاشهای آقایان فخرالدین پرویزی (کافی بت گردنت)، رضاعلیخانی و کاوه فاتحی فرزند کاظم خان (آسنگران) کمال تشکر و قدردانی را دارم. امید است با وجود ایرادات بسیاری که بر این مکتوب رواست، مورد قبول خوانندگان محترم قرار گیرد.

رستم علیخانی - روستای الک-زمستان ۱۳۹۲ خورشیدی / ۲۰۱۴ میلادی